

سخنی چند در غیبت امام زمان علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان: سخنی چند در غیبت امام زمان (علیه السلام)
نوشته: محمد صالحی آذری
مشخصات نشر: مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد، ۱۳۵۲
مشخصات ظاهری: ۹۲ صفحه
وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)
شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۴۲۵۹

دیباچه

از شخصیت ممتاز و والای قطب عالم امکان - امام عصر و ولی زمان - سخن گفتن و حق مطلب را - چنانکه باید و شاید - ادا کردن خود کاری بزرگ و مسئولیتی خطیر است. شخصیتی کامل که هستی همه به طفیل هستی وی وابسته است. که او همچون گلی است بر درخت هستی که باغبان باغ وجود، میلیاردها خار را فقط برای بقاء و شادابی همو آبیاری می کند... شخصیتی برگزیده که ماموریت الهی دارد تا زمامت یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر را به نتیجه نهائی برساند... شخصیتی برجسته که آخرین گوهر خاندان نبوت و رسالت و امامت است. شخصیتی آسمانی که ماموریت جهانی دارد تا اسلام عزیز را به حکم و وعده قرآن کریم: لیظهره علی الدین کله بر تمام ادیان جهان چیره و پیروز گرداند اگر چه کافران مایل نباشند. شخصیتی که مروج اسلام و قرآن است و بس، که فقط احکام دین مبین اسلام و فرائض و سنن آن را احیا و اجرا می نماید.

[صفحه ۶]

شخصیتی که همه پیامبران، به قیام او بنام مصلح جهان مژده داده اند. شخصیتی که بدست توانای او بساط ستم چنان برچیده شود که در سر تا سر گیتی ستمگری نماند تا ستمی بوقوع پیوندد مگر آن که عادلانه با وی رفتار شود. شخصیتی که به اراده الهی و نیروی خدادادی بر سر تا سر جهان با برنامه عدل و داد حکومت کند و جهان از برکت دادگریش لبریز گردد. شخصیتی که پیامبر اکرم درباره اش خبر داد عمرش همچون نوح طولانی است و همچنان است. شخصیتی که غایب از دیده هاست، او همانند فردی از مردم در زمین راه می رود و زندگی می کند و مردم آن حضرت را می بینند ولی نمی شناسند. شخصیتی که دانش او را نتوان سنجید که وارث علم تمام انبیاء و اوصیاء بویژه پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیه السلام است. شخصیتی که درباره شجاعت و شهامتش فقط می توان گفت: اشجع

الناس شجاع ترین مردم است. شخصیتی ممتاز و برجسته که آفریدگان او را برای اجرای برنامه همه جانبه هدایتی و ایجاد حکومت واحد جهانی برگزید و بدو برگزیده خدا - بقیه الله - لقب داد. و شخصیتی چند بعدی... چند بعدی... آری شخصیتی که آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد، و اینک با این وصف چگونه می توان درباره شخصیت نامتناهی او [صفحه ۷]

که چون اقیانوسی بیکران است قلم فرسایی نمود؟ چه می شود کرد؟ هنگامی که نگارنده را - که معلم است نه نویسنده - بر آن داشتند که غیبت امام زمان علیه السلام را مورد بررسی قرار دهد خود را در برابر اقیانوسی نامتناهی احساس کرده، اقیانوسی که کران تا کران هستی را عظمتش فرا گرفته است! چه کند؟ و از کجا آغاز؟ ولی سروش غیبی به گوش او ندا در داد: (آب دریا را اگر نتوان کشید - هم به قدر تشنگی باید چشید) نگارنده با تاییدات الهی مساله غیبت را در طول قرون متمادی، از زمان ادريس پیامبر تا این زمان - غیبت کبری - مورد بررسی و مطالعه قرارداد و محصول زحمات خویش را مختصرا به صورت مجموعه ای - که ملاحظه می شود - گرد آوری کرد و آن را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر - امام زمان علیه السلام - تقدیم داشت. امیدوارست که سلیمان زمان، ران ملخی را از مورچه ای ضعیف و ناتوان پذیرا شده، او را به خدمتگزاری خویش بپذیرند.

این کتاب نخستین بار در نشریه پرتوی از معارف اسلام به همت دانش سرای دوره راهنمایی مشهد چاپ و نشر یافته است ولی اکنون به صورت مستقل انتشار می یابد تا همگان را بدان دسترسی باشد. [صفحه ۱۰]

مساله مهم جهان تشیع

از مسائل مهم جهان تشیع مساله غایب بودن امام زمان علیه السلام است به همین جهت اخبار و احادیث فراوانی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه علیه السلام درباره غیبت پیش از وقوع آن صادر گشته که هنگام وقوع غیبت، شیعیان دچار تزلزل و گمراهی نشوند و از شاهراه سعادت بخش اسلام به کوره راه شیادان مهدی نما نیفتند.

[صفحه ۱۳]

بررسی واژه غیبت

چون هدف این کتاب، بررسی غیبت امام زمان علیه السلام است نخست باید تحقیق شود که غیبت در فرهنگها و اصطلاحات دینی به چه معانی بکار رفته است تا برداشت مسلمانان و دیگران از غیبت بر اساسی درست، مبتنی گردد، و در نتیجه بنای اعتقادشان بر مبنائی راستین پایه گذاری شود. به همین جهت، ناگزیر، سخن از معانی غیبت آغاز می گردد.

سیری در فرهنگها

(غاب یغیب غیبا و غیبه و غیوبا و مغیبا) عنہ: بعد عنہ و باینه: از او دور شد و از او جدا گشت. [غابت الشمس...] غربت و استترت عن العین: خورشید غروب کرد و از دیده پنهان شد. - الشیء عن فلان: استتر. ضد حضر: آن چیز از فلان کس پنهان و پوشیده ماند. ضد حضور: ناپدید شد (المنجد) غاب عنہ غیبا و غیبه: ناپدید شد. و غابت الشمس: فرو شد آفتاب. (منتهی الارب) غیبت - بالفتح. ع. ضد حضور و ناپدید شدن و فروشدن و فروشدن آفتاب و بالکسر عیب کسی در قفای او گفتن اگر راست باشد و اگر دروغ باشد بهتان بود (آنندراج).

[صفحه ۱۴]

غاب عنہ ض یغیب: غیبا و غیبه...: بعد عنہ و باینه: از او دور شد و از او جدا گشت. و - الشمس و غیرها من النجوم...: غربت و استترت عن العین: خورشید غروب کرد و از دیده پوشیده و پنهان شد. و - الشیء عن فلان: استتر: آن چیز از فلانی پوشیده ماند و - ضد حضر: ناپدید شد. و - فلان عن بلاده، سافر: مسافرت کرد. و - الشیء فی الشیء، غیابه... و غیبه: بطن فیه و استتر: در آن پنهان و پوشیده ماند... (سمعت صوتا من وراء الغیب) ای من موضع لا اراه: صوت را از جایی که آنجا را نمی بینم شنیدم. (اقرب الموارد) غاب القمر غیبا و غیوبه... ای غرب و تواری: ماه غروب کرد پنهان شد. و فی الحدیث حتی غابت الشمس: حتی غاب قرصها: تا قرص خورشید پنهان شد (مجمع البحرین) غیب: الغیب مصدر غابت الشمس و غیرها از استترت عن العین، يقال غاب عنی کذا...: هنگامی که خورشید و غیر آن از دیده پوشیده ماند، گفته می شود: این چنین از من پنهان شد. الغیب فی قوله (یومنون بالغیب) ما لا یقع تحت الحواس... غیب چیزی است که تحت حواس واقع نمی شود... (المفردت فی غریب القرآن) بنابر این، غیبت به معنی: دور شدن، جدا شدن، غروب کردن، از دیده پنهان شدن، ناپدید شدن، از نظر پنهان شدن، ضد حضور، فروشدن و ناپیدا شدن است.

[صفحه ۱۵]

شیخیه

با این روشنی برخی از مردم بر اساس اندیشه و فهم محدود و نارسای خویش، غیبت را بنوعی دیگر توهم نموده و تحویل مریدان و یا مردم ساده لوح داده و آنان را به بیراهه افکنده و سرگردان کرده اند. از جمله: رهبر فرقه شیخیه (متوفی ۱۲۴۲ ه. ق.) (بنام شیخ احمد احسائی معتقد است که: امام زمان علیه السلام در دوران غیبت در دو شهر جابلقا و جابلسا در عالم هورقلیاء از اقلیم هشتم بسر می برد... (کتاب جوامع الکلم تالیف شیخ احمد احسائی) در حالی که عموم دانشمندان شیعه بر آنند که: حضرت روی زمین و میان مردم زندگی می کند. آری غیبت را به معنی زندگی در اقلیم هشتم (که معلوم نیست کجاست) آن هم در عالم هورقلیاء (که عالمی خیالی است) و سکونت در شهرهائی بنام جابلقا و جابلسا واقع در مغرب و مشرق (که اصلاً وجود خارجی ندارد) گرفتن، اشتباهی فاحش و نابخشودنی است.

پیروان مذاهب اربعه

گروهی دیگر از پیروان مذاهب اربعه از غیبت امام زمان برداشت نادرستی داشته و پنداشته اند که: حضرت در چاه سامرا غایب و پنهان است. ولی باید اعتراف کرد که داستان سرداب و یا چاه سامرا بخن ناروا و نادرستی است که مغرضان اهل سنت به شیعه اثنی عشری نسبت داده اند. چنانکه ابن حجر مکی در (کتاب صواعق المحرقة) خود در ضمن اشعاری [صفحه ۱۶]

که نقل می کند امام زمان، مهدی موعود را در سرداب ساکن می داند. اما علمای شیعه معتقدند: امام زمان علیه السلام روی زمین منتها بطور ناشناخته و پنهانی سکونت دارند و زندگی می کنند چنانکه امام ششم می فرماید:... خداوند میان آن حضرت و مردم حجابی قرار می دهد که او را می بینند ولی نمی شناسند. (کافی، باب الحجه). و نیز مولوی در این مساله به اشتباه عجیبی افتاده و چنین معتقد شده است که: ولی هر سالکی مادامی که جلوه بر سالک نکرده از او غایب است همین که تجلی کرد ظهور کرده است. و یا سخن ناروای دیگرش که در کتاب مثنوی به

چشم	می	خورد:
...	دوری	است!
تا	آزمایش،	است
پس	بهر	است
امام	حی	است
از	عمر	است!
و	وی	جوا!
نهاد	هم	رو!

که در شناخت ولی قائم دچار افکار اهل طریقت گشته و از مدینه علم پیامبر و ابواب آن حضرت بی بهره مانده و تا آخر عمر نتوانسته راهی پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه باشد. آری امام زمان، موجودی جسمانی و فرزند امام حسن عسکری است که در روی زمین زندگی می کند و غیبت آن حضرت بدان معنی است که: مردم آن حضرت را یا نمی بینند و یا اگر می بینند او را نمی شناسند و چنان نیست که اکنون مردم، امام را نبینند چه بسیار مردمی که آن حضرت را روزانه می بینند و او را نمی شناسند و اگر زنده بمانند چه بسا روز ظهور خواهند گفت: این کسی است که ما او را بسیار دیده ایم. [صفحه ۱۷]

غیبت انبیاء

غیبت پیامبر اکرم و...

نظیر همین غیبت را سایر ائمه اطهار حتی خود پیامبر (ص) داشته اند ولی بنحوی خفیف تر، مثلا هنگام هجرت که پیامبر سه روز در غار ثور توقف کرد، سپس عازم یثرب گردید، از انظار غایب بود و احدی جز ابوبکر نمی دانست که آن حضرت در کجا پنهان است. در همین سفر بود که متجاوز از ده روز در قبا دو فرسخی یثرب اقامت کرد که نیز احدی جز ابوبکر از جا و مکان زندگی و اقامت حضرت اطلاع نداشت. و این نیز نوعی غیبت است. و به همین منوال، همه امامان نسبت به کثیری از شیعیان خود حالت غیبت را داشته اند مثلا: حضرت علی علیه السلام نسبت به گروهی از مسلمانان و مردم، که آن بزرگوار را می شناختند حالت ظهور را داشتند ولی نسبت به سایر مردم که اهل آن شهر و دیار نبودند حالت غیبت را. زیرا اینان اولاً آن حضرت را نمی دیدند ثانياً اگر هم روزی به مدینه یا کوفه می آمدند و حضرت را می دیدند نمی شناختند مگر آن که معرفی بعمل می آمد. و یا: امام صادق را فقط مردم مدینه می شناختند ولی سایر مردم از بلخ تا بخارا او را نمی شناختند... و نیز: هنگامی که امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان هارون الرشید محبوس بود حالت غیبت را داشت زیرا

[صفحه ۱۸]

کثیری از شیعیان، تا مدتها جا و مکان حضرت را نمی دانستند که در کجا زندانی است.

[۱]. البته چنانکه یاد شد، غیبت این بزرگواران کوتاه بوده ولی غیبت حضرت حجت علیه السلام طولانی است که خود بحث اساسی این نوشته است و بزودی به بیان

پرداخت.
[۲۱]

خواهیم

آن

[صفحه

پاورقی

[۱] سیره ابن هشام ج ۱ ص ۴۸۶. کامل التواریخ جزء دوم ص ۷۰.

غیبت ادریس

آغاز غیبت ها، غیبت ادریس پیامبر است تا کار شیعیانش به جائی رسید که قوت آنان به دشواری افتاد و ستمگران جمعی را کشتند و دیگران را فقیر و هراسان کردند در این هنگام ادریس ظهور نمود و به شیعیانش مژده فرح داد که قائمی از فرزندان قیام کند و انتقام کشد و آن نوح علیه السلام بود سپس خدا ادریس را بالا برد و همیشه شیعه وی پشت اندر پشت قرن‌ها در انتظار قیام نوح بسر می بردند... تا پیامبری نوح آشکارا گردید. [۱].

[صفحه

پاورقی

[۱] کمال الدین و تمام النعمه ج ۱ تالیف شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ هجری قمری ص ۱۲۷ چاپ مکتبه الصدوق.

غیبت صالح

صالح پیامبر از میان قوم خود غیبت کرد روزی که غایب شد مردی کامل و خوش اندام بود... چون نزد قومش برگشت تغییر شکل داده بود او را نشناخته و سه دسته شدند:

۱ - منکران جدی که هرگز بر نمی گشتند.
۲ - اهل شک و تردید.
۳ - اهل ایمان و یقین. [۱].

پاورقی

[۱] کمال الدین ج ۱، ص ۱۳۶.

غیبت ابراهیم

غیبت حضرت ابراهیم خلیل مانند غیبت قائم اسلام علیه السلام. خدای عز و جل اثر حمل حضرت ابراهیم را در شکم ما در پنهان داشت و تولدش نیز به سبب اوضاع اختناق آور فرعون پنهان بود. ابراهیم از هنگام تولد همیشه در پنهانی و غیبت بود تا وقتی که مدت غیبت به سر آمد و ظهور کرد... سپس دوباره غایب شد و تنها به گردش در شهرها پرداخت. [۱].

پاورقی
[۱] کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۷.

غیبت یوسف

غیبت یوسف بیست سال طول کشید... سه روز در چاه بود و چند سال زندانی و باقی سالها را پادشاهی می کرد. یوسف در مصر و یعقوب در فلسطین بسر می بردند. یعقوب می دانست که یوسف زنده است و خدا پس از دوران [۲۳ صفحه

غیبتش او را ظاهر خواهد کرد. به فرزندان خود می گفت: انی اعلم من الله ما لا تعلمون. همانا من از طرف خدا می دانم آنچه را که شما نمی دانید... برادران یوسف پیغمبر زاده بودند با یوسف داد و ستد کردند با آن که برادرانش بودند و او هم برادر ایشان بود یوسف را نشناختند تا خودش گفت: من یوسف هستم. [۱].

پاورقی

[۱] کمال الدین ج ۱ صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۵.

غیبت موسی

دوره سختی بنی اسرائیل فرا رسید و مدت چهارصد سال در انتظار قیام قائم بسر بردند تا آن گاه که مژده تولد او را دریافتند و نشانه های ظهورش را دیدند گرفتاری سخت تر شد. امام صادق علیه السلام می فرماید: چون وفات یوسف بن یعقوب فرا رسید خاندان یعقوب را که هشتاد مرد بودند جمع کرد و گفت که این قبطیان بزودی بر شما مسلط شوند و بدترین عذاب را به شما بچشانند همانا خدا شما را بدست مردی از فرزندان لاوی بن یعقوب به نام موسی بن عمران نجات بخشد و او پسری بلند بالا و پیچیده مو و گندم گون است... خبر به فرعون رسید که بنی اسرائیل به موسی بن عمران توجه دارند و او را می جویند و غیبت گویان و جادوگران دربار وی هم به او گفتند هلاکت دین و قوم تو به دست پسر بچه ای است که از بنی اسرائیل در این سال زائیده شود. فرعون بر زنان ایشان قابله ها گماشت و دستور داد که امسال پسری زائیده نشود جز آن که باید سرش را برید. یک قابله هم بر مادر موسی گماشت. [۱].

[۲۴ صفحه

قرآن می فرماید: ما به مادر موسی وحی کردیم که او را شیرده و هر گاه بر او ترسان شدی به دریا افکن و مترس و غمگین مباش ما او را به سوی تو باز گردانیم و از پیامبران قرارش دهیم. [۲] زن فرعون در پلاژ سلطنتی نشسته بود صندوقی بر آب دید آن را گرفتند و کودکی در آن یافتند. قرآن می فرماید: زن

فرعون به همسرش گفت روشنی چشم برای من و تو است او را مکشید. باشید که به ما سود برساند یا اینکه او را به فرزندی می گیریم در حالی که نمی دانستند... [۳] موسی در میان خاندان فرعون ماندنی شد مادر و خواهر و قابله هم درباره او چیزی اظهار نکردند تا مادر و قابله هر دو مردند موسی بزرگ شد و بنی اسرائیل هیچ اطلاعی از او نداشتند. بنی اسرائیل او را می جستند و از او می پرسیدند و بی اطلاع بودند. تا خدا او را به رسالت برگزید سپس نزد فرعون و یارانش فرستاد تا او را به پرستش خدای یگانه بخواند.

پاورقی

- | | | | | |
|-----|-----------------|------|-----|------|
| [۱] | همین | کتاب | ص | ۱۴۷. |
| [۲] | سوره | قصص | آیه | ۷. |
| [۳] | سوره قصص آیه ۹. | | | |

غیبت عزیر

عزیر از رهبران طایفه بنی اسرائیل بود... روزی سر راه به ویرانه ای رسید... اجساد مردگان در هر گوشه بچشم می خورد، به کنار دیواری تکیه داد و گفت: به حیرتم که خدا چگونه باز این مردگان را زنده خواهد کرد؟ خداوند او را صد سال می رانید... وی در این مدت از دیدگان قومش غایب و پنهان بود واحدی نمی دانست که عزیر در کجاست؟ تا اینکه خداوند او را زنده گردانید (سوره ۲، آیه ۲۵۹).

[صفحه ۲۵]

غیبت یونس

مردم با یونس سر لجاج گذارده و بدو ایمان نمی آوردند وی از اعمال آنان دلگیر شده و با کشتی قصد عزیمت کرد، ولی دریا طوفانی شد، همراهانش برای سبک کردن کشتی قرعه کشیدند تا یکی را به دریا افکنند... سه بار قرعه بنام یونس در آمد، وی خود را به دریا افکند. خداوند ماهی بزرگی را مامور بلعیدن او نمود... یونس در شکم ماهی به دعا و تسبیح حق پرداخت تا پس از مدتی غیبت از انظار قومش از شکم ماهی رهایی یافت... (سوره ۳۷، آیه های ۱۴۳ و ۱۴۴). گر چه مساله غیبت امام زمان علیه السلام مساله بغرنجی است ولی چنان که خوانندگان گرامی توجه دارند اطلاع از غیبت انبیای گذشته مساله را کاملا ساده و در سطحی نازلتر قرار می دهد که امروز پذیرش آن برای هر فرد با انصاف دانشمند آرام بخش روان و مایه حیات و امیدواری است. چه بسا همین غیبت پیامبران پیشین سر آغازی و دلیلی است برای غیبت نهانی امام زمان علیه السلام

و همان طور که غیبت پیامبران گذشته امتحانی برای امت و پیروانشان بوده، غیبت آن حضرت نیز امتحانی برای سنجیدن اعتقاد ماست. امتحانی خدایی، امتحانی بزرگ و امتحانی که سرنوشت ما را تعیین می کند. مبدا که در این بزرگ امتحان شکست بخوریم. مبدا که ظاهر فریبنده مهدی نماها ما را بفریبند. مبدا که سخنان اغواگرانه دشمنان فرمان را مشغول بدارد. هشیار باشیم [صفحه ۲۹]

مساله غیبت قبل از تولد حضرت

مساله غیبت پیش از تولد حضرت امام زمان علیه السلام به امر پروردگار وسیله پیامبر عظیم الشان اسلام و جانشینان بزرگوارش مطرح شده و با عبارات گوناگون به مردم تذکره می داده اند که تولدش نهانی است و از انظار مردم پنهان می ماند. از جمله: جابر بن عبدالله انصاری گوید: چون خدای تبارک و تعالی بر پیامبرش آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم... [۱] را نازل فرمود عرض کردم: یا رسول الله، همانا خدا و پیامبرش را شناختیم، پس اولی الامر کیانند که پروردگار فرمانبرداری آنان را در شمار فرمانبرداری شما قرار می دهد؟ فرمود: آنان جانشینان و امامان مسلمانان پس از من هستند. اول آنان علی بن ابی طالب سپس حسن سپس حسین... سپس حسن بن علی سپس همانم و هم کنیه من حجه خدا در زمین و بقیه الله در بین بندگانش، فرزند حسن بن علی است، آن که خداوند مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید و اوست که از شیعیان و دوستانش غایب می شود، غایب شدنی که کسی بر امامت او ثابت نمی ماند مگر آن که خداوند قلبش را به ایمان آزموده باشد. جابر گوید: عرض کردم یا رسول الله، آیا شیعیان در زمان غیبت آن بزرگوار از وجود آن حضرت برخوردار می شوند؟

[صفحه ۳۰]

حضرت فرمود بلی، سوگند به آن که مرا به نبوت برانگیخت، براستی آنان در زمان غیبت از نورش استضاء می نمایند و از ولایتش برخوردار می شوند، مانند برخوردار شدن آنان از خورشید اگر چه در پس پرده ابر باشد. [۲] بنابراین اعتقاد به مهدویت و غیبت امام زمان علیه السلام بنا به فرمایش رسول اکرم (ص) از قرآن مجید ریشه می گیرد. چه حدود صد و سی آیه دیگر بر این مطلب گواه است. از رسول اکرم (ص): مهدی از فرزندان من است نامش نام من و کنیه اش کنیه من، از لحاظ خوی و روش و خلقت و آفرینش از همه به من شبیه تر است او دارای غیبت و نگرانی است که در آن ایام امتهای گمراه شوند سپس همانند ستاره درخشان طلوع می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید چنانکه پر از ظلم

و جور شده باشد. [۳] از علی بن ابی طالب علیه السلام: برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است گویا من شیعه را می بینم که در غیبتش چون چهارپایان جولان می زنند و چراگاه می جویند و بدست نمی آورند. آگاه باش! هر کس بر دین خود ثابت بماند و دلش در اثر طول غیبت امام دچار قساوت نشود او در روز قیامت در درجه من و با من است. سپس فرمود: براستی قائم ما چون قیام کند برای کسی در گردنش

[صفحه ۳۱]

بیعتی نباشد و از این جهت است که ولادتش پنهان و شخص او غایب است. [۴] از امام حسن مجتبی علیه السلام: خدای عز و جل ولادت حجه بن الحسن را مخفی سازد و شخص او را پنهان کند تا آن که هنگام ظهور بیعت احدی به گردن او نباشد و او نهمین فرزند برادرم حسین فرزند زهرا سرور زنان است خدا در زمان غیبتش عمر وی را طولانی می کند سپس او را ظاهر می گرداند در صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد و از اینجا دانسته می شود که خدا بر هر چیزی توانا است. [۵] از امام حسین علیه السلام: نخستین نفر ما امیرالمومنین علی بن ابی طالب است و آخرین آنان نهمین فرزند من است و او امام قائم به حق می باشد که خدا زمین را بدو پس از مردگی زنده نماید و دین حق را به دست او بر تمام ادیان چیره و پیروز می گرداند اگر چه مشرکان را بد آید. برای او غیبتی طولانی است که جمعی در آن دین بیرون روند و دیگران بر دین حق پا بر جا و ثابت قدم بمانند و آزار شوند و (گروه اول) به مومنان طعن زنند و گویند: این وعده چه وقت عملی می شود اگر شما راستگو هستید؟ آگاه باشید! افرادی که در زمان غیبت او بر آزار و تکذیب آنان شکیبا باشند همچنانند که در رکاب رسول خدا در راه خدا پیکار و جهاد می کنند. [۶].

[صفحه ۳۲]

از امام سجاد علی بن الحسین علیه السلام: ... غیبت ولی خدا عز و جل طولانی شود، او دوازدهم از اوصیای رسول خدا (ص) و ائمه بعد از اوست... مردم زمان غیبت او که به امامت او معتقد و در انتظار ظهورش باشند از مردم هر زمانی برترند خدای تبارک و تعالی... آنان را در آن زمان همچون افرادی قرار داده که در رکاب رسول خدا (ص) با شمشیر جهاد می کنند، آنان در حقیقت دارای نیتی پاکند و نیز آنان از روی صداقت و راستی شیعه و پیرو ما بوده و در پنهانی و آشکارا مردم را به سوی خدای عز و جل می خوانند. [۷] از امام محمد باقر علیه السلام: ام هانی گوید: امام ابوجعفر محمد بن علی را ملاقات کردم و درباره آیه: فلا اقسام بالخنس الجوار الكنس از او پرسیدم. فرمود: مقصود امامی است که در زمان خود به سال دویست و شصت هجری قمری پنهان می شود سپس به مانند

ستاره ای درخشان در تاریکی شب پدیدار شود اگر او را درک کردی دو چشمت روشن باد. [۸] از امام صادق علیه السلام: برای قائم پیش از آن که قیام کند غیبتی است... اوست منتظر، اوست که درباره ولادتش شک کنند. برخی گویند: در شکم است

جمعی

[۳۳]

[صفحه

گویند او غایب است بعضی گویند: متولد نشده است و عده ای گویند: دو سال پیش از وفات پدرش متولد شده است فقط خدا دوست دارد که شیعه را امتحان کند. در این هنگام است که باطل جویان در شک افتند... [۹] از امام موسی بن جعفر علیه السلام: یونس بن عبدالرحمن گوید: شرفیاب حضور امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام شدم و به او عرض کردم: یابن رسول الله تو قائم بالحق می باشی؟ فرمود: من هم قائم بالحق هستم ولی آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عز و جل پاک کند و آن را پر از عدالت نماید چنان که پر از جور و ستم شده شده باشد پنجمین فرزند من می باشد و برای او غیبتی طولانی است... گروهی در آن دوره برگردند و مرتد شوند و دیگران ثابت قدم بمانند... [۱۰] از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام: قائم، چهارمین فرزند من است خدا او را تا روزی که بخواهد در پرده غیبت پنهانش می کند سپس او را ظاهر می گرداند تا زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و ستم شده است. [۱۱] از امام محمد بن علی الجواد علیه السلام: عبدالعظیم حسنی گوید: خدمت امام محمد بن علی علیه السلام رسیدم می خواستم درباره قائم بپرسم که آیا قائم همان مهدی است یا دیگری؟ او آغاز سخن کرد و فرمود: ای ابا القاسم، قائم ما همان مهدی است

[۳۴]

[صفحه

که واجب است در زمان غیبت انتظارش کشند و در زمان ظهور فرمانش برند. او سومین فرزند من است. سوگند به آن که محمد (ص) را به نبوت برانگیخت و ما را به امامت مخصوص کرد اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خدا آن روز را طولانی کند تا ظهور نماید و زمین را پر از عدل و داد گرداند همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد... [۱۲] از امام علی بن محمد الهادی علیه السلام در پاسخ نامه علی بن مهزیار که درباره فرج سوال کرده بود چنین مرقوم داشتند: آن هنگام که صاحب شما از دیار ستمگران پنهان شد و غیبت کرد در انتظار فرج باشید. [۱۳] از امام حسن عسکری علیه السلام: گویا می بینیم، شما بعد از من درباره جانشینم اختلاف دارید آگاه باشید که هر کس به امامان بعد از پیامبر اعتراف کند و منکر امامت فرزندم شود چون کسی باشد که به همه پیامبران و انبیای الهی اعتراف کرده و منکر نبوت رسول خدا گردد و منکر رسول خدا مانند منکر همه پیغمبران خداست. زیرا اطاعت آخرین ما چون اطاعت نخستین فرمان

لازم است و کسی که منکر آخرین فرد ما باشد، مانند آن است که نخستین فرد ما را انکار نماید. آگاه باشید! برای فرزندم غیبتی است که مردم در آن دچار شک و تردید می شوند مگر کسی که خدایش نگهدارد. [۱۴].
[صفحه ۳۵]

نکاتی که در این بخش حائز اهمیت فراوان است: اولاً - سخنان پیشوایان اسلام منحصر نیست به آنچه خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند زیرا با نگرشی ساده به دست می آید که علاوه بر آنچه مذکور افتاد احادیث فراوانی در دست است که امام زمان علیه السلام دارای دو غیبت است [۱۵] و نیز نود و یک روایت دیگر داریم که به صراحت کامل اعلام می دارد که امام زمان علیه السلام دارای غیبت طولانی است. [۱۶] ثانیاً - تمام پیشوایان دین غیبت را یکی از ویژگیهای امام زمان علیه السلام شمرده اند تا مسلمانان در شناخت و اعتقاد به حضرت ولی عصر علیه السلام دچار نگرانی و سرگردانی نشوند و همین مساله است که مردم بدان آزموده می شوند.

تا سیه روی شود آن که در او غش باشد.
[صفحه ۳۹]

پاورقی

[۱]	سوره	نسا	آیه	۵۹.
[۲]	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام تالیف لطف الله صافی			
	گلپایگانی ص ۱۰۱ چاپ مرکز نشر کتاب (تهران) و ص ۲۵۳ کمال الدین.			
[۳]	کمال	الدین،	ص	۲۸۶.
[۴]	کمال	الدین،	ص	۳۰۳.
[۵]	کمال	الدین،	ص	۳۱۶.
[۶]	کمال	الدین،	ص	۳۱۷.
[۷]	کمال	الدین،	ص	۳۲۰.
[۸]	کمال	الدین،	ص	۳۲۵.
[۹]	کمال	الدین،	ص	۳۴۲.
[۱۰]	کمال	الدین،	ص	۳۶۱.
[۱۱]	کمال	الدین،	ص	۳۷۶.
[۱۲]	کمال	الدین،	ص	۳۷۷.
[۱۳]	کمال	الدین،	ص	۳۸۰.
[۱۴]	کمال	الدین،	ص	۴۰۹.
[۱۵]	منتخب	الاثر،	ص	۲۵۱.
[۱۶]	منتخب الاثر،			ص ۲۹۴.

کتابهای غیبت قبل از ولادت امام زمان علیه السلام

- اخبار غیبت قبل از تولد امام زمان علیه السلام از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين صادر می شود و همگان را متوجه آینده اسلام می نماید که دوازدهمین جانشین پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت مهدی است و او دارای دو غیبت است: صغری و کبری. اخبار غیبت همانند سایر اخباری که از معصومین نقل می شد حفظ و نگهداری می گشت. و این شایان توجه است که مشاهده می شود کتاب هائی در خصوص غیبت در دوران ائمه اطهار تألیف می گردد از آن جمله است:
- ۱ - کتاب مشیخه تألیف حسن بن محبوب زراد از اصحاب امام هشتم که قریب یک قرن پیش از تولد حضرت حجت (نیمه دوم قرن دوم هجری) این کتاب را نگاشته و در آن روایاتی درباره غیبت حضرت مهدی آورده است. [۱].
 - ۲ - کتاب غیبت علی بن حسن بن محمد طائی طاطری که مردی فقیه و موثق بوده و از اصحاب امام موسی بن جعفر علیه السلام است. [۲].
 - ۳ - کتاب غیبت علی بن عمر اعرج کوفی که او نیز از اصحاب امام موسی بن جعفر است. [۳].
 - ۴ - کتاب غیبت ابراهیم بن صالح انماطی کوفی که از اصحاب امام موسی بن جعفر می باشد. [۴].
- [صفحه ۴۰]
- ۵ - کتاب غیبت حسن بن علی بن ابی حمزه که معاصر با امام هشتم حضرت رضا علیه السلام بوده است. [۵].
 - ۶ - کتاب غیبت عباس بن هشام ناشری اسدی (متوفی ۲۲ هجری) که مردی جلیل القدر و موثق بوده و شیخ طوسی او را از اصحاب حضرت رضا می شمارد. [۶].
 - ۷ - کتاب غیبت فضل بن شاذان نیشابوری که از فقها و متکلمین و از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری است. وفاتش در سال ۲۶۰ اتفاق افتاد وی یکصد و هشتاد کتاب نوشته است. [۷].
 - ۸ - کتاب غیبت ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی که معاصر امام حسن عسکری بوده است. [۸].
- آگاهی از این کتابها اصالت غیبت امام زمان را به حدی روشن می سازد که برای هر فرد خردمند جای هیچ گونه تردید و ابهامی باقی نمی گذارد. و بدان جهت است که رسول اکرم (ص) می فرمایند انکار خروج و قیام مهدی بمنزله کفر است. [۹] هر که قائم فرزندان مرا منکر شود در حقیقت مرا انکار کرده است. [۱۰] هر که قائم فرزندان مرا منکر شود مانند مردم زمان جاهلیت مرده است. [۱۱].

[۴۳]					صفحه
					پاورقی
	الوری.	اعلام	کتاب		[۱]
	.۳۵۷	ص	شیخ طوسی،	رجال	[۲]
	.۱۹۴	ص	نجاشی،	رجال	[۳]
	.۱۹۳	ص	جلد ۳،	قاموس الرجال،	[۴]
	صفحه.	همان	کتاب،	همان	[۵]
	.۲۱۵	ص	نجاشی،	رجال	[۶]
	.۴۳۴	و ۴۲۰	صفحات طوسی،	رجال شیخ	[۷]
	.۲۹	ص	طوسی،	فهرست شیخ	[۸]
	.۱۴۹	ص	الاثر،	منتخب	[۹]
	.۴۹۲	ص	الاثر	منتخب	[۱۰]
				منتخب الاثر ص ۴۹۲.	[۱۱]

رسوخ اعتقاد به غیبت حضرت در افکار مردم

مسلمانان همیشه امام زمان علیه السلام را همراه و همگام با غیبتش می شناخته اند و این فکر چنان در اذهان و افکارشان ریشه دوانده و رسوخ پیدا کرده است که اگر این عقیده را از آنان بگیرند بمانند آن است که اسلامشان را گرفته اند! و به همین دلیل بوده که همواره متمهیدیان دارای غیبت کاذب بوده اند بدان معنی که پیروانشان می کوشیده اند که متمهدی خود را دارای غیبت جلوه دهند تا افراد ساده لوح به گمان آن که او همان مهدی موعود اسلام است زودتر فریب خورده و تن به زیر بار طاعت وی بنهند اینک برخی از آنان را یاد آور می شویم:

محمد بن حنفیه

پس از مرگ یزید، عبدالله بن زبیر قیام کرد. محمد بن حنفیه که از فرزندان با فضیلت حضرت علی علیه السلام بود با وی بیعت نکرد و به زندان افتاد. مقارن همین ایام مختار پسر ابو عبیده ثقفی برای گرفتن انتقام خون امام حسین علیه السلام بر حکومت شورید و چون از حضرت سجاد که ولی دوم بود اجازه نداشت [۱] و خونخواهی خود را بی اساس احساس می کرد خویشتن

[صفحه ۴۴]

را به دروغ نماینده محمد حنفیه معرفی کرد لذا گروهی را به مکه فرستاد تا او را از چنگال عبدالله نجات دادند سپس محمد حنفیه را امام چهارم و قائم موعود نامید، وی از مختار رنجید و از او کناره گرفت طولی نکشید که مختار کشته شد، اما

پیروانش که به کیسانیه شهرت داشتند، بر مهدویت محمد بن حنفیه پایدار ماندند حتی پس از مرگ محمد وفات او را باور نکردند و معتقد به غیبت او شدند و منتظر ظهور و قیام او گشتند. پاورقی

[۱] هنگامی که کسب اجازه نمود امام علیه السلام او را شایسته خونخواهی پدر بزرگوارشان ندیدند و به وی این اجازه را ندادند.

زید بن علی بن الحسین

این مرد از زهاد برجسته زمان خویش بشمار می رود. از ظلم و ستم مروانیان بر ضد هشام بن عبدالملک قیام نمود لیکن هنگام مبارزه و چنگ شهید گشت. عمال مروان بدن وی را در کوفه به دار آویختند جسد او حدود پنج سال روی چوبه دار بود تا روزگاری که ولید بن یزید به حکومت رسید دستور داد بدن او را بسوزانند و خاکسترش را بر آب بریزند. پیروان زید که به نام زیدیه مشهورند معتقد شدند که جناب زید، امام بر حق است که از انظار مردم غایب و پنهان گشته است و روزی باز خواهد گشت.

جارودیه

محمد بن عبدالله نفس زکیه را مهدی خواندند و پس از مرگش او را غایب از مردم و دارای غیبتی طولانی پنداشتند.

اسماعیلیه

اسماعیل پسر امام جعفر صادق علیه السلام را مهدی موعود دانسته و معتقد شدند که او نمرده بلکه غیبت اختیار نموده است و روزی ظاهر خواهد شد [صفحه ۴۵]

و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. ناگزیر باید اعتراف کرد که: غیبت کاذب مهدی نمایان دلیل است بر اصالت غیبت امام زمان علیه السلام. چه همواره باطل در سایه حق پیش می رود. سکه های تقلبی در اثر وجود و پیدایش سکه های اصیل پدید می آید. آری، امام زمان علیه السلام است که دارای دو غیبت است. [صفحه ۴۹]

امام زمان علیه السلام غایب می شود

امام زمان علیه السلام مقارن ایام خلفای جابر عباسی تولد می یابد. خلیفه وقت طبق اخباری که از پیامبر و ائمه رسیده بود می دانست که نهضت امام زمان علیه السلام نهضتی کوبنده است که تار و پود ستم و بیدادگری را از صحنه گیتی براندازد. لذا خلفای غاصب ستمگر در کمین بودند تا هر گونه اثری که از اهل بیت نبوت به دست آورند نابودش کنند. و به همین نظر بود که متوکل عباسی در سال ۲۳۵ ه. ق. فرمان داد تا حضرت امام هادی علیه السلام و بستگانش از مدینه به سامرا عازم شوند تا در آنجا تحت نظر باشند. [۱] و نیز معتمد عباسی با تمام قوا می کوشید که از اوضاع داخلی خانه امام حسن عسکری آگاه و با خبر باشد. [۲] پروردگار متعال برای حفظ امام زمان علیه السلام از سوء قصد ستمگران تولد و زندگی او را همچون ابراهیم و موسی پنهان و مخفی داشت تا آن حضرت گرفتار حکام ستمگر و ادار به بیعت و فرمانبرداری از آنان نشود. پاورقی

[۱] مروج الذهب مسعودی.
 [۲] کافی جلد ۲ باب مولد ابی محمد العسکری، صفحات ۵۶۱ تا ۵۸۱ ترجمه کمره ای و منتخب الاثر، ص ۲۶۰.

ولادت

حضرت امام زمان علیه السلام سحرگاه پانزدهم شعبان ۲۵۵ هجری قمری از مادر گرامیش نرجس تولد یافت
 [صفحه ۵۰]

امام حسن عسکری تولد جانشین خود را به دوستان مخصوص و پیروانش خبر داده است چنانکه اصحاب امام یازدهم سخنانی را از ایشان نقل می کنند که در خور توجه است:

الف - احمد بن اسحق بن سعد گوید: از امام حسن شنیدم که می فرمود: ستایش خدایی را سزااست که مرا از دنیا نبرد مگر اینکه جانشین پس از خودم را به من نمایاند. در خوی و روش و شکل و آفرینش از همه به پیامبر شبیه تر است. [۱].

ب - احمد بن حسن بن اسحق قمی گوید: چون خلف صالح متولد شد از مولایم امام حسن عسکری به جدم احمد بن اسحق نامه ای رسید که به خط خودش در آن نوشته بود که: برای ما فرزندی متولد شد بید نزد تو پوشیده بماند و از همه مردم پنهان باشد زیرا ما از آن آگاه نکنیم مگر خویش را به جهت نزدیک بودنش و دوست را به جهت دوستیش. دوست داشتیم که به تو اعلام کنیم تا خدا تو را بدان شاد گرداند همچنان که ما را بدان شاد گردانید و السلام. [۲].

ج - محمد بن علی بن حمزه گوید: از حضرت امام حسن عسکری شنیدم که می

فرمود: ولی خدا و حجت او بر بندگان و خلیفه من در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هنگام طلوع فجر به دنیا آمد. [۳] گروهی از محدثین و مورخین اهل سنت به ولادت مهدی علیه السلام در کتب خود اعتراف کرده اند که از نظر اختصار به نقل دو عبارت اکتفا می کنیم:

[صفحه ۵۱]

الف - حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان در آغاز باب بیست و پنجم صفحه ۵۲۱ که به ضمیمه کتاب کفایه الطالب چاپ شده است [۴] می نویسد: همانا مهدی پسر امام حسن عسکری از زمان غیبتش تا کنون زنده و باقی است و بقاء او به دلیل بقاء عیسی و خضر و الیاس امتناعی ندارد.

ب - خواجه کلان قندوزی حسینی شافعی می نویسد که: ابی غانم خادم گوید: برای امام حسن فرزندی متولد شد که او را محمد نامید و روز سوم او را به اصحابش نشان داد و فرمود: این، پس از من جانشین من و امام شماسست و اوست قائمی که همه در انتظار ظهورش گردن کشند... [۵] پژوهشگران برای اطلاع بیشتر به کتب اهل سنت که فهرست آن در بخش آینده نقل خواهد شد مراجعه فرمایند.

پاورقی

[۱] منتخب الاثر، ص ۳۴۲.

[۲] کمال الدین، ص ۴۳۴.

[۳] منتخب الاثر، ص ۳۲۰.

[۴] چاپ دوم سال ۱۳۹۰ ه. ق ۱۹۷۰ م. مطبعه الحیدریه - النجف.

[۵] ینابیع الموده، ص ۴۶۰ و منتخب الاثر، ص ۳۴۲.

غیبت صغری

امام زمان به سبب اقدامات شدید خلیفه وقت پنهان و از دیدگان مردم غایب می شود. اما موظف است که خود و هدفش را به مردم بشناساند و در ضمن پاسخگوی اشکالات شیعیانش هم باشد. برای اجرای این منظور چهار نفر نایب یکی پس از دیگری از خواص بزرگان شیعه انتخاب می شوند تا بهنگام نیاز خدمت امام شرفیاب شوند و

[صفحه ۵۲]

وظیفه محوله را به ایفا رسانند. این بزرگواران را نواب اربعه یا نواب خاصه با وکلاء و ابواب امام می نامیدند و این دوره را غیبت صغری نام نهادند. غیبت صغری ۶۹ سال یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری قمری بطول انجامید و نواب خاصه در ایام غیبت صغری عبارت بودند از:

- ۱ - جناب عثمان بن سعید عمروی از اصحاب و شاگردان امام هادی و امام عسکری است که در زمان ایشان از طرف آنان نیابت و وکالت داشته و سرانجام به نیابت حضرت مهدی مفتخر گردیده است.
 - ۲ - جناب محمد بن عثمان بن سعید از اصحاب امام یازدهم است وی از افراد ثقه و مورد اطمینان امام بوده و پس از پدرش بیش از چهل سال عهده دار نیابت خاصه بوده است. [۱] وی در هنگام وفات به دستور امام زمان علیه السلام نایب سوم یعنی حسین بن روح را به مردم معرفی کرد.
 - ۳ - جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی فردی بسیار با هوش و با وقار و دور اندیش بود و کار شیعیان را با نهایت حزم و کیاست اداره می کرد. هنگامی که مرگش فرا رسید ابوالحسن علی بن محمد سیمری را به امر امام زمان علیه السلام به جانشینی برگزید.
 - ۴ - جناب ابوالحسن علی بن محمد سیمری از شاگردان مکتب امام حسن عسکری است که پس از فوت حسین بن روح به وکالت رسید.
- [صفحه ۵۳]

پاورقی

[۱] امام عسکری درباره این دو نفر به یکی از صحابه خاص خود می فرمایند: عمروی و پسرش هر دو مورد اطمینان اند آن چه آنها به تو بپردازند از من پرداخته اند و آن چه ایشان گویند از من گفته اند. پس سخن آن دو را گوش کن و امرشان را اطاعت نمای برستی که ایشان مورد امن و اطمینان من هستند. (بحار ج ۵۱ - ص ۳۴۸ و منتخب ص ۳۹۵).

غیبت کبری

- در سال ۳۲۹ هجری توقیعی از ناحیه امام زمان علیه السلام بنام او صادر گشت که حاوی موارد زیر بود: [۱].
- ۱ - اخبار به مرگ علی بن محمد در فاصله شش روز.
 - ۲ - مسدود شدن باب نیابت خاصه.
 - ۳ - اعلان آغاز غیبت کبری.
 - ۴ - طولانی شدن غیبت کبری.
 - ۵ - اشاعه ظلم و بیدادگری در سراسر جهان پیش از ظهور.
 - ۶ - منوط بودن ظهور به امر الهی.
 - ۷ - پیشگویی به آمدن مدعیان دروغین به عنوان نیابت خاصه. پس از وفات علی بن محمد سیمری غیبت کبری آغاز گردید که هنوز هم ادامه دارد. پروردگارا ظهورش را نزدیک گردان.

اللهم

عجل

فرجه

[۵۷]

[صفحه

پاورقی

[۱] کتاب بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۵۱ و منتخب الاثر ص ۳۹۹.

کتابهای غیبت بعد از امام حسن عسکری علیه السلام

اشاره

کتابهایی که در پیرامون غیبت امام زمان علیه السلام تالیف گشته فراوان است. فقط در اینجا بعنوان نمونه تعدادی از آنها را در دو بخش جداگانه نقل خواهیم کرد.

کتاب اهل تشیع

- ۱ - محاسن تالیف ابی جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی متوفی در سال ۲۷۴.
- ۲ - کتاب غیبت تالیف عبدالله بن جعفر بن حسن حمیری متوفی در سال ۲۹۰.
- ۳ - کتاب غیبت تالیف محمد بن قاسم بغدادی متوفی در سال ۳۲۸.
- ۴ - کافی و الروضه تالیف محمد بن یعقوب کلینی متوفی در سال ۳۲۹.
- ۵ - اثبات الوصیه تالیف علی بن حسین مسعودی صاحب مروج الذهب متوفی در سال ۳۳۳.
- ۶ - کتاب غیبت تالیف سلامه بن محمد بن اسماعیل ارزنی متوفی در سال ۳۳۳.
- ۷ - کتاب غیبت تالیف حسن بن حمزه بن عبدالله متوفی در سال ۳۵۸.
- ۸ - کتاب غیبت تالیف حسن بن محمد بن یحیی (معروف به ابن اخی ظاهر) متوفی در سال ۳۵۸.

[۵۸]

[صفحه

- ۹ - کتاب غیبت تالیف احمد بن محمد بن عمران (معروف به ابن جندی) متوفی در سال ۳۹۶.
- ۱۰ - کتاب غیبت تالیف محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی متوفی در اواسط قرن چهارم.

- ۱۱ - کتاب غیبت تالیف حنظله بن زکریا بن یحیی متوفی در قرن چهارم.
- ۱۲ - کمال الدین و تمام النعمه تالیف محمد بن علی بابویه قمی ملقب به صدوق که این کتاب را بنا به امر حضرت جمع آوری نموده است، متوفی در سال ۳۸۱.
- ۱۳ - من لا یحضره الفقیه تالیف محمد بن علی بابویه قمی معروف به شیخ صدوق.
- ۱۴ - کفایه الاثر فی النصوص علی الائمة اثنی عشر تالیف علی بن محمد ابن علی

- خراز رازی (معروف به قمی) از شاگردان شیخ صدوق.
- ۱۵- دلائل الامامه تالیف محمد بن جریر بن رستم طبری متوفی در قرن چهارم.
- ۱۶- ارشاد تالیف شیخ مفید متوفی در سال ۴۱۳.
- ۱۷- امالی تالیف شیخ مفید.
- ۱۸- المسائل العشره فی الغیبه تالیف شیخ مفید.
- ۱۹- مختصر فی الغیبه تالیف شیخ مفید.
- ۲۰- جوابات الفارقیین فی الغیبه تالیف شیخ مفید.
- ۲۱- النقص علی الطلحی فی الغیبه تالیف شیخ مفید.
- ۲۲- کتاب غیبت تالیف محمد بن محمد بن نعمان مفید متوفی در سال ۴۱۳.
- ۲۳- مقع تالیف سید مرتضی متوفی در سال ۴۳۶.
- [صفحه ۵۹]

- ۲۴- البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان علیه السلام تالیف ابی الفتح محمد بن عثمان کراچی متوفی ۴۴۹.
- ۲۵- کتاب غیبت تالیف شیخ الطایفه محمد بن حسن طوسی متوفی در سال ۴۶۰.
- ۲۶- کتاب غیبت تالیف مظفر بن علی بن حسین حمدانی متوفی در قرن پنجم.
- ۲۷- نزهه الناظر و تنبیه خاطر تالیف حسین بن محمد بن حسن حلوانی متوفی در قرن پنجم.
- ۲۸- اعلام الوری تالیف فضل بن حسن طبرسی متوفی در سال ۵۴۸.
- ۲۹- بشاره المصطفی لشیعته المرتضی تالیف عماد الدین ابی جعفر طبری آملی متوفی در قرن ششم.
- ۳۰- کشف المحجه لثمره المهجه تالیف علی بن موسی حسینی متوفی ۶۶۴.
- ۳۱- کشف الغمه تالیف ابی الفتح علی بن عیسی اربلی نوشته شده در سال ۶۸۷.
- ۳۲- المحجه فیما نزل فی القائم الحجه [۱] تالیف سید هاشم بحرانی متوفی در سال ۱۱۰۷.
- ۳۳- تبصره الولی فی من رای القائم المهدی تالیف سید هاشم بحرانی.
- ۳۴- بحار الانوار جلد سیزدهم [۲] تالیف مرحوم ملا محمد باقر مجلسی متوفی در سال ۱۱۱۰.

- [صفحه ۶۰]
- ۳۵- کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار تالیف حاج میرزا حسین محدث نوری متوفی در سال ۱۳۲۰.
- ۳۶- النجم الثاقب تالیف حاج میرزا حسین محدث نوری.
- ۳۷- تبیین المحجه الی تعیین الحجه تالیف حاج میرزا محسن تبریزی متوفی در سال ۱۳۵۲ قمری.

۳۸ - البرهان على وجود صاحب الزمان تالیف سید محسن امین شامی متوفی در سال ۱۳۷۱.

۳۹ - اعیان الشیعه تالیف سید محسن امین شامی. ۴۰ - المهدی تالیف آیه الله صدر الدین صدر متوفی در سال ۱۳۷۳.

پاورقی

[۱] این کتاب به همراه غایه المرام از همین نویسنده چاپ شده است.
[۲] چاپ جدید جزوهای ۵۳، ۵۲، ۵۱.

کتاب اهل تسنن

- ۱ - المهدی (بخشی از سنن ابی داود) تالیف حافظ ابو داود سجستانی.
- ۲ - الاربعین تالیف حافظ ابو نعیم اصفهانی.
- ۳ - مناقب المهدی تالیف حافظ ابو نعیم اصفهانی.
- ۴ - نعت المهدی تالیف حافظ ابو نعیم اصفهانی.
- ۵ - عرف الوردی فی اخبار المهدی تالیف حافظ جلال الدین عبد الرحمن سیوطی.
- ۶ - البیان فی اخبار صاحب الزمان تالیف حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی.
- ۷ - القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر تالیف حافظ شهاب الدین ابن حجر هیثمی.

[صفحه ۶۱]

- ۸ - عقد الدرر فی اخبار الامام المنتظر تالیف شیخ جمال الدین یوسف دمشقی.
- ۹ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان تالیف علاء الدین متقی هندی.
- ۱۰ - الهدیه الندیة تالیف ابو المعارف قطب الدین دمشقی.
- ۱۱ - المهدی الی ما ورد فی المهدی تالیف شمس الدین محمد بن طولون.
- ۱۲ - المشرب الوردی فی مذهب المهدی تالیف ملا علی القاری.
- ۱۳ - اخبار المهدی تالیف حماد بن یعقوب.
- ۱۴ - علامات المهدی تالیف حافظ سیوطی.
- ۱۵ - القول المختصر فی علامات المنتظر تالیف جمال الدین مقدسی.
- ۱۶ - التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح تالیف امام شوکانی.
- ۱۷ - ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون تالیف استاد احمد محمد صدیق.
- ۱۸ - الامامه لما کان و یکون بین یدی الساعه تالیف ابو طیب بن ابی احمد الحسینی.

- ۱۹ - مسند تالیف احمد حنبل شیبانی.
- ۲۰ - صحیح تالیف محمد بن اسماعیل بخاری.
- ۲۱ - صحیح تالیف مسلم بن حجاج نیشابوری.

- ۲۲ - صحیح تالیف ابو عیسیٰ ترمذی.
- ۲۳ - سنن نسائی تالیف احمد بن شعیب نسائی.
- ۲۴ - سنن ابو داود تالیف سلیمان بن اشعث سجستانی.
- [۶۲ صفحه
- ۲۵ - سنن ابن ماجه تالیف ابو عبد الله محمد بن ماجه قزوینی.
- ۲۶ - حدیث الولایه تالیف محمد بن جریر طبری.
- ۲۷ - شرح السنه تالیف حافظ فراء بغوی.
- ۲۸ - المصابیح تالیف حافظ فراء بغوی.
- ۲۹ - جامع الاصول تالیف مجد الدین ابن اثیر.
- ۳۰ - جواهر العقدين تالیف نور الدین سمهودی.
- ۳۱ - شواهد النبوه تالیف نور الدین عبد الرحمن جامی.
- ۳۲ - فتوحات مکیه تالیف محی الدین بن عربی.
- ۳۳ - عنقاء مغرب تالیف محی الدین بن عربی.
- ۳۴ - کنوز الحقائق تالیف زین الدین مناوی.
- ۳۵ - اسعاف الراغبین تالیف ابو العرفان صبان.
- ۳۶ - تذکره الخواص تالیف سبط بن جوزی.
- ۳۷ - موالید اهل البیت تالیف ابن خشاب.
- ۳۸ - تاریخ کامل تالیف ابن اثیر.
- ۳۹ - فتوحات اسلامیة تالیف احمد زینی دحلان.
- ۴۰ - فرائد السمطین تالیف شیخ الاسلام حموی.
- ۴۱ - مطالب السوول تالیف ابن طلحه شافعی.
- ۴۲ - ینابیع الموده تالیف قندوزی حنفی.
- ۴۳ - مکاشفات تالیف مولوی علی اکبر بن اسد الله هندی.
- ۴۴ - الیواقیت و الجواهر تالیف عبد الوهاب شعرانی.
- ۴۵ - فصل الخطاب تالیف محمد بن محمد بخاری.
- ۴۶ - مرآه الاسرار تالیف عبد الرحمن عارف دهلوی.
- ۴۷ - الحدیث المتسلسل تالیف احمد بن ابراهیم بلاذری.

[۶۳ صفحه

- ۴۸ - عقائد الاکابر تالیف عبد الرحمن دشتی.
- ۴۹ - کفایه الطالب تالیف محمد بن یوسف گنجی.
- ۵۰ - روضه الاحباب تالیف عطاء الله غیاث الدین.

این فهرست، نمونه ای بود از آثاری که درباره امام غائب علیه السلام به رشته تحریر در آمده است که راه انکار را بر همه چنان مسدود می کند که منکران را

در ردیف منکران ضروری دین قرار می دهد. [۱].
[صفحه ۶۷]

پاورقی

[۱] منتخب الاثر، ص ۱۴۹.

انتظار فرج

هر فردی را نرسد که خود را در انتظار فرج امام غایب بداند چه قومی که در انتظار مصلح هستند باید خود صالح و شایسته باشند و کسی می تواند در صدد اصلاح خود بر آید که امام زمان علیه السلام خود را بشناسد و گر نه بمانند کسی است که در زمان جاهلیت زندگی می کند و بدیهی است که بمانند مردم جاهلیت هم خواهد مرد. [۱] امام ششم می فرماید: کسانی که این امر (پیشوایی امام زمان خود) را بشناسند همان انتظارشان فرج است. [۲] یعنی کسی که امام زمان خود را شناخت و دانست که امام از پیروانش چه انتظار دارد و چه می خواهد بناچار قیام می کند و هر روز که خواسته امام عملی شود همان روز فرج است. حضرت رضا علیه السلام می فرماید: آیا نمی دانی که انتظار فرج جزء فرج است؟! [۳].
[صفحه ۶۸]

از بررسی سخنان گرانمایه ائمه طاهرین علیه السلام وظیفه شیعه که شناخت امام و شناخت وظیفه و کوشش در ایفای آن است به روشنی بدست می آید و هر گاه تلاش و کوشش روزانه ما در راه اصلاح خود و دیگران به ثمر رسد همان روز فرج است. پس سررشته فرج به دست ماست، آری به دست ما! و ما باید این رسالت را به انجام رسانیم.
پاورقی

[۱] اعلام الوری تألیف شیخ طبرسی، ص ۴۱۵.

[۲] بحار الانوار تألیف مرحوم مجلسی ص ۱۳۹ ج ۵۲.

[۳] بحار الانوار تألیف مجلسی، ص ۱۳۰، ج ۵۲.

ارزیابی انتظار

انتظار قائم برابر است با شهادت در راه حق! امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در انتظار این امر (ظهور امام زمان علیه السلام در گذرد همانند مردی است که او با قائم در خیمه وی است. پس از این سخن امام، قدری درنگ کرد سپس فرمود: نه، بلکه مانند فردی است که در رکاب مهدی شمشیر زده باشد. سپس فرمود: نه، به خدا سوگند همانند کسی است که در رکاب پیامبر اکرم (ص) شهید شده باشد [۱] و نیز آن حضرت می فرماید: آن کس که در انتظار امر

(ظهور قائم ما) بسر می برد بمانند فردی است که در راه خدا در خون خود غوطه ور شود. [۲] آری چنین است ارزش فردی که در انتظار فرج است و در اجرای خواسته امام زمان علیه السلام می کوشد چون فردی است که در آخرین درجه به پیکار و جهاد بپردازد و هر روز در خون خود غوطه خورد
[صفحه ۶۹]

پاورقی

[۱] بحار الانوار جلد ۵۲، ص ۱۲۶.
[۲] کمال الدین - منتخب الاثر ص ۴۹۸.

انتظار وظیفه است؟

وظیفه شیعه و پیرو امام زمان علیه السلام در زمان غیبت بس فراوان است که مجال شرح و تفصیل آن نیست و شاید لازم به تذکر هم نباشد زیرا همچنان که یک کارمند می داند که در شغل اداریش چه وظایفی دارد یعنی مسئولیت خود را در برابر رئیس خویش احساس می کند چگونه می شود که یک مسلمان واقعی وظیفه اش را در برابر مولا و امام زمان خود نداند که چیست؟ انتظار فرج امام غایب از آن جهت ارزش شهادت در راه حق را دارد که منتظرش در راه بارور کردن آرمانهای عالی اسلامی از پای نمی نشیند و افضلیت و برتری این ایده و برنامه است که مردم زمان غیبت را از مردمان دیگر زمانها ممتاز ساخته به عقل و هوش خاصی توصیف می نماید. امام سجاد می فرماید: بی تردید مردم زمان غیبت مهدی که به امامت او معتقد و در انتظار ظهورش هستند از مردم زمانهای دیگر افضل و برترند، زیرا خدای تبارک و تعالی به آنان عقل و درک و شناختی داده است که غیبت برایشان بمانند ظهور است (چون امام را باور دارند و بمانند زمان ظهور به خدمتگزاری مشغولند) خدای متعال آنان را در آن زمان هم درجه افرادی قرار می دهد که در رکاب رسول خدا (ص) شمشیر می زده اند. آنان در حقیقت دارای نیتی پاک و شیعیان راستین ما بوده و در پنهانی و آشکارا مردم را به سوی خدای عز و جل می خوانند. [۱].

[صفحه ۷۰]

با نگرشی در سخنان ائمه درباره شناخت امام غایب علیه السلام و ارزیابی انتظار فرج و برتری خدمتگزاران واقعی امام زمان علیه السلام وظیفه بلکه وظایف خویش را در برابر آن حضرت در می یابیم که همواره باید آن حضرت را نگران اعمال خود بدانیم و از کارهای زشت و گناه دست برداریم و برنامه خویش را طوری تنظیم نماییم که در زمره افراد شایسته که قرآن به آنها اشاره می فرماید: ان الارض یرثها عبادی الصالحون [۲] در آییم. آن زمان است که در شمار یاران

ویژه آن حضرت خواهیم بود. آری رسیدن به آرمانهای عالی اسلامی در حدود امکان خود نشانه حالت انتظار است. آیا آن چنان که لازم است دستورات اسلامی را بکار می بندیم تا در زمره منتظران واقعی بشمار آییم؟ خدایا دلی ده که در کار تو جان بازیم و جانی ده که کار آن جهان سازیم. دانایی ده که از راه نیفتیم بینایی ده تا در چاه نیفتیم [۳].

[۷۳]

[صفحه

پلورقی

[۱] کمال الدین، ص ۳۲۰.
[۲] انبیا، ص ۱۰۵. همانا بندگان شایسته من زمین را به ارث می برند.
[۳] خواجه عبدالله انصاری.

مژده

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون. [۱] و هر آینه در زبور داود به دنبال یک یاد آوری قبلی نگاشتیم که همانا زمین را بندگان نیکو و شایسته من به ارث خواهند برد... و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم... چون خدا از سخن گفتن با وی فارغ شد از نزد ابراهیم صعود فرمود. تو راه - سفر پیدایش باب هفدهم به سبب شریران خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد مبر. زیرا که مثل علف بزودی بریده می شوند. و مثل علف سبز پژمرده خواهند شد. بر خداوند توکل نما و نیکوئی بکن. در زمین ساکن باش و از امانت

[۷۴]

[صفحه

پرورده شو. و در خداوند تمتع ببر. پس مسالت دل ترا بتو خواهد داد. طریق خود را بخدا بسپار. و بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد. و عدالت ترا مثل نور بیرون خواهد آورد. و انصاف ترا مانند ظهر. نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش. و از شخص فرخنده طریق و مرد حيله گر خود را مشوش مساز. از غضب بر کنار شو و خشم را ترک کن. خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد. زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود. در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهد بود. و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد. و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید. شریر بر مردم عادل شوری می کند. و دندانهای خود را بر او می افشرد. خداوند بر او خواهد خندید. زیرا می بیند که روز او می آید. شریران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده اند. تا مسکین و فقیر را ببندازند. و راست

روان را مقتول سازند. شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد رفت. و کمان های ایشان شکسته خواهد شد نعمت اندک یک مرد صالح بهتر است از اندوخته های شریران کثیر. زیرا که بازوهای شریران شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تایید می کند. خداوند روزهای کاملان را

[صفحه ۷۵]
می داند. و میراث ایشان خواهد بود تا ابد الابد.
کتاب مزامیر - مزبور سی و هفتم
ابدیت و جهانی بودن اسلام، شکست ستمگران و شریران، و سرانجام پیروزی نیکوکاران

از بشارات قطعی است که به بشریت ابلاغ شده است. موضوع نخست به اندازه ای محکم و غیر قابل تردید است که نیازی به بحث و استدلال در آن زمینه احساس نمی شود. چه حتی یک نفر مسلمان با این مساله مهم مخالفت نکرده است. ولی قبل از آن که به موضوع دوم پردازیم وضع جهان را از نظر فساد و تباهی مورد بحث قرار داده، توجه خواننده را به فهرست آمار جنگها و تسلیحات و اوضاع جاسوسی و فساد اخلاق فردی و اجتماعی و آینده دردناک دول بزرگ دنیا جلب می کنیم: از آغاز قرن هفدهم کشورهای اروپایی در آتش ۲۳۰۰ جنگ سوخته اند. [۲] خبر گزاری ها خبر دادند که اسرائیل بیش از هر کشور جهان مخارج نظامی سرانه دارد. رقم ۴۷۷ دلار معرف این واقعیت است. یعنی به تعداد هر نفر مرد و زن و بچه سالیانه ۴۷۷ دلار خرج امور نظامی می کند. [۳] آمریکا با ۳۷۹ دلار پسر از اسرائیل در مقام دوم و شوروی با مخارج نظامی سرانه ۲۷۰ دلار در مقام سوم قرار دارد.

[صفحه ۷۶]
در سال قبل حدود ۲۱۹ هزار میلیون دلار به مصرف تسلیحات رسیده است و با مقایسه با هزینه های تسلیحاتی ده سال گذشته در حدود ۸۲ افزایش نشان می دهد. [۴] هم اکنون بیش از بیست ماه مصنوعی (جاسوس پرنده) از فراز شوروی و چین می گذرد. ماههای مصنوعی (میداس) و (ساموس) و (اکسیلور) مرتبا در اطراف کره زمین می گردند و اطلاعات ارزنده و تصاویر بسیار جالبی مخابره می کنند و با دوربین های مجهز به چشمهای دارنده اشعه ماوراء قرمز خود مراقب انفجارهای اتمی هستند این گزارشها مرتبا در مراکز مربوطه بررسی می شود. [۵] آمریکائیا اگر چه از اعمار جاسوسی خود سخن نمی گویند ولی هر سال ۵۰۰ میلیون دلار خرج تکمیل این سیستم می نمایند اما طرز کار این دستگاهها جزو اسرار نظامی است. [۶] کندی در ۱۹۶۲ علنا اعلام داشت که: آمریکا آینده دردناکی پیدا خواهد نمود. چه جوانان بی بند و بار و غرق در شهواتند

و دیگر حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محول می گردد بخوبی انجام دهند
مثلا از میان هر هفت تن جوانی که به سربازی اعزام می شوند شش تن نالایق و
سست از آب در می آیند و این بدان سبب است که افراط در شهوترانی استعدادهای
بدنی و روانی آنان را کاسته است [۷] پروفیمو وزیر جنگ انگلیس بخاطر تمتع
از لذات جنسی اسرار دولت
[صفحه ۷۷]

خود را در معرض خطر قرار داد. وی می خواست که خاطر معشوقه خود را
جلب کند... [۸] خروشچف نیز مانند کندی در ۱۹۶۲ تصریح کرد که: آینده
شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه امید بخشی ندارند چه بی بند و بار و
اسیر شهوات گشته اند. [۹] رئیس دادگاه عالی طلاق انگلستان چنین می گوید:
انگلستان در هر سال چهار میلیون لیره خرج طلاق می کند! در صورتی که
نصف این مبلغ صرف ازدواج نمی شود. [۱۰] خبرگزاری اسوشیتدپرس: از هر
پنج دختر انگلیسی که برای ازدواج بکلیسا می روند یکی حامله است! [۱۱] هر
سال در تهران ۲۵۰ نفر در اثر مصرف کردن مشروبات الکلی می میرند. [۱۲]
طبق گزارش سخنگوی ژاندارمری یک مرکز قریب ۶۰۰ دزد را تنها در یک
ماه دستگیر کرده اند. با کمال تاسف در میان افرادی که آلوده به این بدبختی شده
اند نه تنها عده ای از جوانان تحصیل کرده بلکه بعضی از کودکان نیز دیده می
شوند که با همسالان خود باندهای دزدی تشکیل داده اند. [۱۳] روزانه دو هزار
نفر خودکشی می کنند. روزانه سه میلیون نفر اعلام انتحار می کنند. از هر سه
دانشجو که می میرد یکی بصورت انتحار است. [۱۴] سخن کوتاه کنیم که این
رشته سر دراز دارد.
[صفحه ۷۸]

از بررسی و مقایسه اوضاع آشفته و نابسامان امروز جهان با پنجاه سال قبل چنین
بدست می آید که اگر از فرمول ریاضی استفاده کرده بین اوضاع امروز و پنجاه
سال آینده یک تناسب ببندیم جواب چه خواهد بود؟ خدا بهتر می داند. این زندگی
نابسامان دنیا روز بروز نابسامان تر می شود راستی بشر به کجا می رود؟ خودش
هم نمی داند! آیا بدبختی و سقوط از این هم بدتر امکان دارد که با این همه پیشرفت
در علم و دانش و صنعت و تکنیک و تسخیر فضا و تصرف کرات بشر در مهار
- کردن هواهای نفسانی، خود خواهی و تکبر خویش عاجز و زبون مانده باشد؟
کدام ملت است که با مشاهده محیط ننگ آورش از اصلاح مایوس و ناامید نباشد؟
پاورقی

[۱] سوره انبیاء ۱۰۵.
[۲] جامعه شناسی نوشته ساموئیل کینگ ترجمه مشفق همدانی.

- [۳] مجله علمی و مذهبی مکتب اسلام سال ۱۴ شماره ۱ ص ۷۲ به نقل از کیهان شماره ۸۸۲۴.
- [۴] مکتب اسلام سال ۱۴، شماره ۲ اسفند ماه ۵۱ به نقل از مطبوعات.
- [۵] کیهان شماره های مسلسل ۶۴۰۴ - ۶۴۰۲.
- [۶] اطلاعات ۱۱۹۹۲ به نقل از منابع اورور - فرانس سوآر.
- [۷] کتاب سیمای جهل در غرب صفحات ۱۴۴ و ۱۴۵.
- [۸] سیمهای جهل در غرب ص ۱۴۵.
- [۹] سیمای جهل در غرب، ص ۱۴۵.
- [۱۰] کیهان شماره ۶۵۲۲.
- [۱۱] اطلاعات ۲۱ مرداد ۳۸.
- [۱۲] کیهان شماره ۶۲۶۰.
- [۱۳] روزنامه اطلاعات شماره ۱۰۷۰۴.
- [۱۴] سازمان بهداشتی M.U.S.

جوانان

جوانان را ممکنست سوالی پیش آید که: بار بالا رفتن میزان مفسد و وظیفه یک جوان مسلمان چیست؟ آیا صرف دعا و نیایش کار ناساز جامعه اسلامی را سازمان می دهد؟ نه، دعا و نیایش در اوضاع زندگی افراد اثری بسزا و عمیق دارد چنانکه دکتر الکسیس کارل یک کتاب در اثر نیایش برشته تحریر در آورده و اثرات معجزه آسایش را طی مشاهدات خود با دلایل متین باثبات می رساند. ولی باید دانست که: در زندگی یک مسلمان دعا و نیایش فقط شرط لازم برنامه یا دین و یا عقیده او را تشکیل می دهد و مسلمان نمی تواند شرط کافی برای سعادت فرد مسلمان و اجتماع اسلامی باشد. یک فرد مسلمان قبل از هر چیز باید آن قدر بصیر باشد که بداند آن چنان که اسلام می تواند با مفسد و ستمها مبارزه [صفحه ۷۹]

کند هیچ یک از مکتبهای اجتماعی دیگر دنیا نمی تواند بان اندازه مبارزه و دفاع کند و بدنبال آن باید به نکات زیر توجه کامل داشته باشد: پایه های ایمان خود را نسبت به اسلام با برهان قاطع و محکم، استوار سازد. چه ارزش یک مسلمان به آنست که ایمان او باسلام از روی دلیل و برهان باشد. بنابر این بر مسلمانان بویژه مربیان جامعه اسلامی فرض است که روزانه بر بصیرت خویش از طرف مختلف بیفزایند یعنی یک معلم یا یک استاد نباید به مطالبی که در دوران طفولیت و یا در دوران تحصیل درباره دین شنیده قناعت کند که این خود یک نوع کم لطفی به خود و افرادی است که زیر نظر او تربیت می شوند. بلکه همواره باید در مسیری

حرکت کند که اطلاعات و درجات ایمانش روز افزون باشد تا مشمول این سخن نشود که: هر که در روزش برابر باشد مغبون است روی همین اصل، اسلام یک فرد مسلمان را موظف به کسب دانش و فضیلت می نماید چه اسلام وقتی برای مسلمان قابل درک و فهم می شود که با دلیل و برهان فراگرفته و با دانش اندوزی به مزایای آن پی برده باشند [۱] ضمناً این وظائف که از طرف شارع اسلام برای مسلمانان مطرح می شود خود بزرگترین دلیل است بر اینکه این دین بر صحت و درستی و حقانیت خود اطمینان کامل دارد و گر نه چنین ماموریت هایی به پیروانش نمی داد. نکته دیگر آنکه در اکثر آیات شریفه قرآن کریم، هر کجا نامی از ایمان به میان می آید بدنبال آن به نکته اساسی و اصیل کوشش و عمل و انجام وظیفه

[صفحه ۸۰]

توصیه می شود. روی این حساب آنانی که در محیط خود و دیگران تبلیغات مسموم دشمنان دین را مشاهده می کنند و بعد مهر سکوت بر لب می زنند و قلم خود را به خود جنبش و حرکت در نمی آورند که از حریم اسلام و حق و عدالت و عفت و پاک دامنی دفاع کنند دل‌های اینها از نور و تابش اسلام خالی است. پیامبر اسلام می فرماید: هر گاه انحرافی در اجتماع اسلامی رخ دهد بر هر فرد مسلمان داناست که در راه مبارزه علیه هر گونه بدعت و کجروی از دانشش استفاده کرده و راه را بر سود جویان منحرف بر بندد. اینجاست که وظیفه فردی به وظیفه اجتماعی مبدل می شود و یک فرد مسلمان مامور نظارت اجتماعی بنام امر به معروف و نهی از منکر می گردد و دیگر گول جمله عوام فریب (بمن چه؟ و به او چه؟) دشمنان اسلام را نمی خورد و طبق دستور قرآن مجید به کوشش و فعالیت در راه خدا می پردازد و در ردیف بهترین گروه: کنتم خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر [۲] قرار می گیرد و نیز چون دشمنان ما حاضر نیستند از فعالیت خود دست بردارند ما هم هر روز باید آماده دفاع باشیم چه هر روزی که بدون مبارزه گذرد و هر ساعتی که بدون کوشش علیه فساد و تباهی پایان یابد و هر لحظه و دقیقه ای که بدون کار مثبت تلف شود در وجدان فرد مسلمان گناهی بحساب می آید که جز نبرد پیگیر نمی تواند آن را جبران کند. اگر ما مسلمان باشیم، همین کافیسست که بدون درنگ، با تمام قوا، بدون خستگی و ملال علیه تمام پلیدیها و انحرافها و بدعتها و خرافات و زشتیها و نابسامانیهای دینی و اجتماعی به پاخیزیم و اگر چنین نبودیم یا نیستیم باید به درجه ایمان خود بنگریم و در اساس و پایه های ایمان خود

[صفحه ۸۱]

تجدید نظر کنیم. شاید در داشتن ایمان خود را گول زده باشیم و گر نه چگونه

ممکنست از مبارزه علیه مفسد و جنایات روز افزون باز ایستیم!
پاورقی

[۱] قرآن باین دسته افراد که دارای ایمان و علم باشند ارزش زیاد قائل شده و آنان صاحبان درجه رفیع معرفی می فرماید: *یرفع الله الذین آمنوا و الذین اوتوا العلم* درجات.

[۲] سوره آل عمران، آیه ۱۱۰ ترجمه: شما بهترین امتی هستید که از بین مردم ماموریت بافته اید که به معروف امر کنید و از منکر نهی نمائید.

نقش اسلام

مفاسدی که نمونه ای از آثارش یاد آور شد، ناشی از طبیعت و چگونگی رژیم هائی است که در این جوامع حکمفرما بوده و اسلام را از میدان زندگی خود دور ساخته اند. ولی آنچه مایه تعجب است اینست که در برابر این گونه مشکلات، اسلام را مورد بازخواست و یا سوال قرار می دهند و یا از آن راه حل هائی می طلبند در حالی که در بوجود آمدن آنها، اسلام کوچکترین نقشی را بعهده نداشته است. پاسخ هر گونه مشکلی که از اسلام سوال می شود آنست که گفته شود: نخست اسلام کامل را در همه امور زندگی دخالت دهید و قوانین آن را اجرا کنید سپس نظریه آن را درباره مشکلاتی که بوجود می آید بخواهید نه آن که راه حل مشکلات ناشی از یک نظام ضد اسلامی را از اسلام طلب کنید. اسلام امور مردم را بر وفق اساس مخصوصی اداره می کند و پایه های اجتماعی و اقتصادی و احساس ویژه ای برای آنان بوجود می آورد و روی این حساب نخست اگر همه اصول اسلامی را در تمام شوون اجتماعی اجرا کنند آن گاه خواهند دید که این مشکلاتی که از آنها سخن به میان آمد خود بخود از بین رفته است... آری آنها مشکلاتی است که جامعه سالم اسلامی هرگز آنها را بخود نخواهد دید. [۱].

[صفحه ۸۲]

پاورقی

[۱] کتاب ما چه می گوئیم با تصرف و تلخیص.

شکست و پیروزی

با وضع حاضر: دوری از معنویات، علاقه وافر به مادیات، دنیای ماشینی توام با
طغیان
شهو
و...
همه
آری
همه
نامیدند
همه
نامیدند
نگرانند

همه
ولی
همه
همه
همه
به
به انتظار چه؟ به انتظار که؟
به انتظار آن شخصیت الهی جهانی - حضرت حجه بن الحسن العسکری علیه السلام - که قرآن، او و یارانش را بنده شایسته خدا و وارث زمین معرفی می کند: ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین. [۱].
پاورقی
[۱] سوره اعراف آیه ۱۲۸.

آینده از آن اسلام است

پروردگار متعال پیامبرانی برای هدایت بشر اعزام داشت تا آنان را از ذلت بت پرستی - که هادم شخصیت اوست - برهانند و به مقام اعلاى حق پرستی و عدالت و پاک دامنی رهنمون گردند.
[صفحه ۸۳]

این پیامبران هر یک به نوبه خود آمدند و در راه خدا برای هدایت خلق کوشیدند و رفتند، آنان را که فطرتی پاک بود و قلبی سلیم، از ارشاد آنان بهره مند شدند و دیگران نه. سنت الهی است که هر پیامبر الهی، پیغمبر پس از خود را به مردم زمان معرفی و گوشزد نماید، ظهور حضرت محمد (ص) هم بشارت داده شد تا همه مردم جهان با دین جهانی آشنا شوند شاید خاری در گلستان زندگی نماند، که قلبی را جریحه دار نماید. آری، آخرین سفیر الهی برانگیخته می شود با امتیازاتی ویژه خودش، آخرین سفیر، آخرین نفر، آخرین پیامبر، آن هم برای همه مردم: کافه للناس. همه بشارت آمدنش را داده بودند و نیز بشارت جانشینان وی، و بویژه بشارت آخرین جانشین او، مصلح واقعی جهان. ادیان پیشین همه به ظهور منجی آسمانی مژده دادند بدون آن که اسم و رسم او را بیان نمایند چنانکه از مزبور داود و... خواندیم و به این مژده، هم شاد بودند و هم پیروان خود را شاد می کردند و همین ایده، هم مایه امید برای خود آنان بود و هم دیگران. زیرا مطمئن بودند که: آمدن مصلح و عده حق است و وعده حق تخلف پذیر نیست و نیز یقین داشتند که اگر یک عمر مردم بت پرست را بسوی خدا می خوانند و از این دعوت و زحمت نتیجه چشم گیری نمی گیرند کارشان بی نتیجه نخواهد ماند و سرانجام به انجام خواهد رسید.

چون با آمدن اسلام، دین آسمانی پایان می یافت می بایست مصلح
[صفحه ۸۴]

موعود بیشتر معرفی شود تا مردم بدانند که او از خاندان پیامبر، نهمین فرزند حضرت امام حسین علیه السلام و هشتمین فرزند امام چهارم و... فرزند و الاتبار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. او همنام پیامبر اسلام و کنیه اش ابوالقاسم همانند آن حضرت است. آن بزرگوار به القاب: حضرت مهدی، مهدی موعود، قائم اسلام، قائم موعود، حضرت حجه بن الحسن، حضرت بقیه الله، ولی عصر و امام زمان مفتخر گردیده است. از نشانه های او که پیامبر اسلام بارها بدان تصریح می فرماید: دو غیبت کوتاه و طولانی است بنام: غیبت صغری و غیبت کبری. آن بزرگوار به منزله آخرین دستی است که از آستین غیب بیرون می آید تا بشریت را از هر گونه اضطراب و ناامنی و طغیان و استثمار و استعمار برهاند و همه نابسامانیهای جهان را به سامان برساند - انشاء الله - و این بود آرزوی پیامبران الهی که به وعده خدا امیدوار بودند تا زحماتشان به هدر نرود و بالاخره پس از هزاران سال هم که شده روزی به نتیجه نهائی خود برسد. البته نتیجه گیری از هر برنامه ای مستلزم فرارسیدن موقعیت خاصی است لذا خداوند برای حضرت ولی عصر (عج) دو غیبت مقرر داشت: غیبت کوتاه از آن جهت که او را بشناسند چه: هر که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد مانند مردم زمان جاهلیت مرده است. غیبت دوم (غیبت کبری) از آن جهت که هر روز پروردگار متعال اذن فرماید آن حضرت قیام کند و زحمات انبیاء الهی را به ثمر رساند و

دیگر...

جهات

و

[صفحه ۸۵]

کمال

خدا را در هر عصر و زمان حجتی بوده است و لازم بود که پس از امام یازدهم هم شخصیتی الهی در میان مردم وجود داشته باشد. لذا این منصب به فرزند بزرگوار آن حضرت افاضه گشت. می دانیم که مصلح حقیقی دارای تمام صفات پسندیده است و هیچ نقصی در او نیست و قطعاً فرزند امام بودن هم برای او کمال است پس باید بلا فصل باشد. یعنی اگر قرار بود امام زمان علیه السلام پس از سپری شدن فزون متمادی مثلاً هزار سال متولد شود، او لا در این مدت زمین خدا از حجت خالی می ماند. ثانیاً نقصی بود بر او، چه قائم اسلام باید خلاصه و چکیده و وارث انبیای الهی و اهل بیت عصمت و کرامت بوده باشد نه دیگران.

بهانه

خدا هم همواره بر خلق اتمام حجت می کند بر ما هم چنین کرده است. در شرح حال انبیای گذشته نوشتیم که برای انبیای سلف هم غیبت مقرر شد تا غیبت مصلحتش بر ما گران و مستبعد نیاید. و پیامبر هم پیش از حضرت مهدی علیه السلام به دو غیبت تصریح کرد تا بهانه ای نماند و نماند هم. چه کتابهای فراوانی که فهرستش یاد شد از آن جهت بود که بدانند پیش از تولد هم در زمینه غیبت تصریحات و در نتیجه تالیفاتی داشته ایم و بعد از غیبت هم، هم.

سازندگی

حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری از مادر متولد می شود و پس از [صفحه ۸۶] پنج سال با رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام غیبت صغری آغاز می گردد. در این دوران چهار نفر نیابت خاصه را عهده دار بوده اند در انقضای عمر چهارمین نایب به سال ۳۲۹ هجری قمری غیبت کبری اعلام می گردد که تا کنون ادامه دارد. از مهمترین وظائف شیعه در این دوره انتظار فرج آن حضرت است. حالت انتظار مصلح از آن جهت پر ارج است که آن، حالت سازندگی دارد چه کسی که منتظر مصلح است باید خود صالح باشد و گر نه انتظار او بر خلاف انتظار است.

نیرو

آری، هر فرد مسلمان بویژه یک معلم مسلمان هنگامی در کار و زندگی خویش پیروز خواهد شد که دارای ایمان باشد. ایمان به خدا و پیامبر و خاندان وی بخصوص به امامت و حیات و غیبت حضرت حجت سلام الله علیه، امام زمانش. فقط نیروی ایمان است که در انسان احساس مسوولیت را احیا می کند، اگر این نیرو نباشد با چه نیروئی می توانید بشر را کنترل کنید و به کار مثبت وا دارید؟ یک معلم هنگامی به کار تدریس خویش علاقه مند می شود که ایمان داشته باشد و همین علاقه ناشی از ایمان است که کار او را مثمر و پر فایده می گرداند. یک داروساز وقتی به درد اجتماع خود می خورد که دارای ایمان باشد و گر نه با خیانت و تقلب جان و مال هزاران نفر را در اثر سودجویی به مخاطره می اندازد

...

[صفحه ۸۷]

آینده

اگر ما واقعا به اصلاح خود و جامعه خویش علاقه مند هستیم ناگزیریم که به پرورش اطفال و دانش آموزان و دانشجویان و معلمان کشور خود سعی کافی مبذول داریم. ما معلمان باید رسالت خویش را از این راه به انجام رسانیم تا ملتی درست و راستگو و فعال و فداکار و سعادت‌مند داشته باشیم تا نسل آینده ما را محکوم به تنبلی و سستی و خود باختگی در برابر جاهلیت غرب نکند. آری، اگر یک مسلمان، نیرنگ نیرنگ بازان قهار دنیا را می بیند و هزاران مفاسد دیگر را، باز با دلی پر از امید در انتظار مصلح جهان از پای نمی نشیند. چه یقین دار که پیروزی از آن اوست که مسلمان است و نیز می داند که: بزودی خورشید آئین خدا بر افقهای تاریک جهان خواهد تابید و همه جا را نورانی خواهد کرد. اگر چه کافران خوششان نیاید و مایل نباشند. آری، خدا بزرگ است و آینده از آن اسلام [صفحه ۹۱]

حماسه

بسیار مناسب است که سخن با حماسه ای شورانگیز حسن ختام یابد. سوگند [۱].

به	محبت	و	عشق	و	وفا	سوگند
به	جلال	و	جاه	و	خدا	سوگند
به	علايق	جان	به	حيات	جهان	سوگند
به	فنا	در	راه	بقا	سوگند	سوگند
به	طراوت	گل	به	ضفاى	چمن	سوگند
به	طبیعت	و	باد	صبا	سوگند	سوگند
به	سپهر	و	ماه	مهر	فروزانش	سوگند
به	فروغ	ما	به	سما	سوگند	سوگند
به	توکل	سوگند	به	اراده	حق	سوگند
به	قدر	سوگند	به	قضا	سوگند	سوگند
به	فداکاری	و	و	به	جانبازی	سوگند
به	مقام	صبر	و	رضا	سوگند	سوگند
به	تساوی	و	عدل	و	آزادی	سوگند
به	طریقت	اهل	به	صفا	سوگند	سوگند
به	حقیقت	گو،	به	ره	حق	پو
به	دل	خالی	ز	ریا	سوگند	سوگند
به	مبارزها	به	مجاهددا			

سوگند	خدا	راه	شهید	به
صفا	و	مذهب	فدائی	به
سوگند	بلا	و کرب	شهید	به
زندانی		شکسته	دل	به
سوگند	خطا	راه	نرفته	که
بیچاره		کشیده	ستم	به
سوگند	هوی	دست	اسیر	به
دین	حقیقت	به	یقین	به
سوگند	هدی	نور	طریق	به
قرآن	حق	محکم	کتاب	به
سوگند	فنا	راه	نیوید	که
آید	ما	رهبر	خدا	به
آید	خدا	حکم	به	مردانه
قائم		غایب،	زنده،	مهدی،
آید	ما	صاحب	که	به
[۹۲				[صفحه
سالار		سرور،	حجت،	رهبر،
آید	صفا	و	پرچم	با
سازد	پر	را	عدل،	از
آید	جفا	و	نبرد	به
ما	تار	شب	گردد	روشن
آید	سما	میان	به	کان
سازد		ویران	ستم	بنیان
آید	ریا	و	جهاد	به
سازد	امان	و	جا	همه
آید	چرا	و	ما	شه
براندازد		زمانه	بی	باطل
آید	خطا	اهل	ز	به
نبود	خبری	غم	و	ز
آید	وفا	ز	مددکاری	به
خاموش		گردد	باطل	بانگ
آید	صدا	به	خدا	چون
تابانی		مه	آخر	آید

روشنگر	ارض	و	سما	آید
مردان	خدا	شادان	باشید	
کان	نور	چشم	شما	آید
همه	جا	بهشت	برین	گردد
به	سر	فر	هما	آید
ز	غم	و	رنج	من
دلبر	با	و	شور	و
بدراند		پرده	نوا	آید
در	صحنه	چو	شیر	خدا
ره	ظلم	و	ستم	باید
نه	که	خفتن	تا	شاه
کوشش	باید،	جوشش	ما	آید
تا	مرد	خدا	به	غزا
(طوفان)	ز	ستمکاران	تو	مرنج
چون	صاحب	ما	ز	قفا
پاورقی				

[۱] از فضل الله صلواتی (طوفان) به نقل از مجله مکتب اسلام سال ۱۳، شماره ۱۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال

۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط) ۲۳۵۰۵۲۴

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام،

حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
(ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت
کننده در جلسه

(ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری
و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه
وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران
۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران
(۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با
همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و
وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از
اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و
امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را
یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۹۷۳-۱
شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53 به نام
مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان
مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - : هر کس عهده دار یتیمی از ما
شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش
رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای
بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم.
فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار،
کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به
مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف

را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی
بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی
که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش
را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای
متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛
یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را
زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به
معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

